

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی "انفال"

حسین محمدزاده*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۳۰

چکیده

در کشور عراق، انفال به عملیات نظامی تخته قاپوکردن و ژنوساید کردها در شمال آن کشور اطلاق می‌شود که طی آن صدها هزار نفر نیست و نابود و حدود ۴۰۰۰ روستا ویران شد. هدف این مطالعه چگونگی و چرایی این مسئله است. در بعد نظری تحقیق و برای توضیح چرایی، از نظریه دولت توتالیتار و باورهای سنتی حاکم بر جامعه مکانیکی دورکیم استفاده شده است. روش تحقیق اتخاذ شده این مطالعه تاریخی و تکنیک جمع‌آوری آن اسنادی است. داده‌ها حاکی از آن است که عملیاتی ویرانگر در کمتر از یک سال در یک منطقه وسیع جغرافیایی و طی هشت مرحله به انجام رسیده است. به نظر می‌رسد پی‌ریزی یک جامعه مکانیکی بر پایه ایدئولوژی بعث مبنایی دو شقی بر پایه دوست و دشمن تعریف کرده است که یکی از نتایج آن اجرای عملیات انفال بوده است.

واژه‌های کلیدی: انفال، عراق، بعث، کردستان عراق

مقدمه

انفال در واقع نام سوره هشتم قرآن مجید است که به معنای غنائم آمده است (قرآن مجید، سوره هشتم). تفاسیر بر این نظرنند که این آیه پس از جنگ بدر بر پیامبر نازل شده است و در آن به مسئله تقسیم غنائم توسط پیامبر تأکید شده است. اما در عراق، نام عملیاتی نظامی است که رژیم وقت عراق، علیه کردها در سال ۱۹۸۸ انجام داده است. این عملیات که مسئولیت اجرایی آن را علی حسن المجید (علی شیمایی) بر عهده داشته است در "حدود یک سال و در هشت منطقه جغرافیایی به انجام رسیده و رژیم عراق از نیروی هوایی، نیروی زمینی و سلاح‌های شیمایی به‌عنوان سلاح‌های غیرمتعارف استفاده کرده است" (shoresh, 2011). در پایان این عملیات، علاوه بر نابودی سامان زندگی و جغرافیایی منطقه مورد عملیات، هزاران نفر از ساکنان غیرنظامی این مناطق جان خود را از دست داده یا آواره و زندانی و مفقود شده‌اند.

انفال، اتفاقی ضد انسانی در قرن بیستم و رویدادی بی‌نظیر در تاریخ است که با "حمله اسکندر به هند و فجایع جنگ دوم جهانی مقایسه شده است" (زندل، ۱۳۷۹: ۲۶۳-۳۲۴). چنانکه می‌دانیم رژیم بعث، فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه را در سال ۱۹۸۸ انجام داد، پیش از عملیات انفال، شیعیان و مسیحیان عراق را قتل‌عام کرده، کمونیست‌ها را کشته، افسران ارتش را به جوخه‌های آتش سپرده و حتی اعضای خانواده خود را نیز به قتل رسانده است! به‌راستی این چگونه اندیشه و چگونه جهان‌بینی است که یک دولت برخورداردی این‌چنینی با انسان و شهروندان خود دارد؟

شناخت ما از حادثه "حلبچه" بسیار بیشتر از انفال است درحالی‌که حادثه حلبچه در حین عملیات انفال اتفاق افتاده است. مرگ ۵۰۰۰ نفر انسان مدنی در حلبچه در مقایسه با قتل و عام سیستماتیک بیش از یک‌صد هزار نفر در عملیات انفال، عددی کوچک و حقیر به حساب می‌آید. عملیات انفال، مسئله بسیار بغرنج و پیچیده است که علل، فرایند و نتایج آن بایستی به‌دقت مورد واکاوی علمی از زوایایی گوناگون قرار

گیرد. "این عملیات به حدی شوک آور بود که حتی باعث تعجب ناظران و آگاهان مسائل عراق شده بود" (Stansfield, 2006: 262).

نکته جالب توجه این است که در کشور هیچ تحقیق قابل ارجاعی در این زمینه انجام نشده است. در رابطه با این فاجعه انسانی، پرسش‌های متعددی قابل طرح و بررسی است. با این مقدمه و با نظری جامعه‌شناختی می‌توان سه پرسش مرتبط باهم را در رابطه با چگونگی و چرایی پدیده "انفال" در سال ۱۹۸۸ در کشور عراق طرح کرد.

نخست: آیا دولت بعث عراق دولتی توتالیتر بود؟

دوم: این دولت، عملیات انفال را چگونه انجام داده است؟

سوم: این دولت چرا تصمیم به اجرای عملیات انفال گرفته است؟

مبانی نظری تحقیق

در بحث تجربی و تحقیقی مرتبط با انفال در ایران تحقیقی که محقق بدان دست یافته باشد، غیر از دو مقاله در ماهنامه مه‌باد، اثری وجود ندارد (اسماعیل زاده، ۱۳۸۶). تحقیقاتی که در کشور در مورد پدیده انفال انجام شده است، بیشتر به مباحث فقهی "انفال" پرداخته‌اند که ربطی به عملیات انفال نداشته‌اند (محامد، ۱۳۹۱).

در خارج از ایران تحقیقات زیادی در مورد انفال انجام شده است که بیشتر به توصیف این پدیده پرداخته‌اند و کمتر به مباحث نظری و تبیینی آن توجه کرده‌اند. غالب این تحقیقات از نظر روشی، از تکنیک اسنادی و مصاحبه با بازماندگان انفال، استفاده کرده‌اند (مربوان، ۱۹۹۷؛ بختیار، ۱۹۹۷؛ فتاح، ۱۹۹۷؛ قربانی، ۲۰۰۲؛ shoresh, 2011).

زندل (۱۳۷۹) به‌عنوان محقق و خبرنگار، فصلی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده است. دشنر (۲۰۱۱) در کتاب خود تیتروار به این پدیده اشاره نموده

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۰۳

است اما نه به ذکر جزئیات انفال پرداخته و نه به دلایل و علل نظری آن توجه نموده است.

در بعد نظری بایستی توجه داشت که عملیات انفال توسط یک دولت رسمی، علیه شهروندان کشور خود که یک اقلیت قومی را تشکیل می‌دهند، انجام شده است. حال کدام نظریه یا نظریه‌ها در این راستا راهگشا و هدایت‌کننده هستند، بایستی به مباحثی توجه داشت که خصوصیت چنین دولتی را فاش سازند و در نهایت باید به مبانی نظری‌ای توجه داشت که امکان چنین کنشی را از سوی ذهن کارگزاران دولت تشریح کند.

ویژگی‌های دولت توتالیتار

دولت‌های توتالی‌تر خصالتی فراگیر و تندخویانه دارند و ممکن است آبشخور ایدئولوژیکی متفاوتی داشته باشند. حکومت توتالی‌تر دو تعریف کلی دارد:

الف: تعریف جوهری^۱

ب: تعریف پدیده‌ای^۲

تعریف جوهری تلاش می‌کند ویژگی‌های ذاتی پدیده را نشان دهد. از نظر آرنست، ترور جوهره حکومت توتالیتار است (راش، ۱۳۷۷). ج، آل، تالمون می‌نویسد: توتالیتار شیوه‌ای از حکومت است که کلیه حیات سیاسی را در برمی‌گیرد. و دیوید اپیتر می‌گوید: جوهر توتالیتار آن است که مرزی میان ملت و دولت باقی نمی‌گذارد.

در کشورهای مدرن سه حوزه منفک از هم در هر کشوری شناسایی شده است: حوزه دولتی، حوزه خانوادگی و حوزه عمومی.^۳ دولت توتالیتار با کنترل حوزه عمومی، حوزه خانواده را نیز تحت کنترل و نظارت قرار می‌دهد.

-
1. Essentialist definition
 2. Phenomenal definition
 3. public sphere

اما از بعد دیگر، یکی از تعاریف پدیده «توتالیترا» توسط «کارل. جی. فردریش» در سال ۱۹۵۴ ارائه شده است که در آن ویژگی‌های حکومت توتالیترا را به شیوه زیر برشمرده است:

- ۱- ایدئولوژی فراگیر
- ۲- یک حزب با یک رهبر ایدئولوژیک که بر تمام اعضا فرمان می‌راند
- ۳- نیروی پلیس که بر اساس ترس و وحشت بنیاد گذارده شده است
- ۴- کنترل تمام رسانه‌های جمعی را در اختیار دارد
- ۵- کنترل تمام نیروهای نظامی را در اختیار دارد
- ۶- تمرکز اقتصادی و کنترل تمام ادارات و نهادها را بر عهده دارد (راش، ۱۳۷۷: ۷۹).

تقسیم‌بندی دورکیم در مورد جامعه مکانیکی و ارگانیکی

دورکیم جامعه را به دو بخش تقسیم کرده بود: جامعه مکانیکی و جامعه ارگانیکی. بخش مکانیکی دارای بنیاد سنتی و در واقع، شاخص این نوع جامعه است. در اینجا جامعه یکسان است، افراد مثل هم هستند، وجدان جمعی نیرومند است و قدرت در دستان یک نفر متمرکز شده است و تفاوت نه پذیرفتنی و نه ستودنی است. کوزر می‌گوید: "جامعه مکانیکی درجایی وجود دارد که حداقل تفاوت میان افراد وجود دارد" (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۰). در واقع جامعه مکانیکی بر این مبنا قرار دارد که هرکس مشابه ماست از ماست و هر کس متفاوت از ماست از ما نیست. بر مبنای این تفکر و در عمل افراد و گروه‌های متفاوت از این جامعه رانده می‌شوند.

در مقابل جامعه ارگانیکی وجود دارد که محصول دوران مدرن است. جامعه ارگانیک دارای ساختاری است که عناصر آن را اجزایی متمایز از هم تشکیل می‌دهند. در جامعه ارگانیکی تقسیم‌کار وجود دارد. افراد دارای اندیشه هستند. افرادی که باهم

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۰۵

جامعه را می‌سازند متفاوت هستند. در اینجا تفاوت پذیرفتنی و تفاوت مبنایی نه برای ستیز، بلکه برای همزیستی است.

صدام در دنیایی که مملو از تکثر اندیشه‌هاست به دنبال جامعه‌ای مکانیکی بود. در این جامعه صدای مخالف شنیده نمی‌شود و نقد، نه به معنای پیوستگی و بهبود بلکه به معنای طرد و گسستگی است. صدام آئینی به نام بعث به وجود آورد که هر کس به آن ایمان نداشت، مرتد و خونش مباح شمرده می‌شد. بعثی بودن به معنای خودی بودن و هماهنگی و همدلی گروهی است. حق یا ناحق بودن، بستگی به عضویت یا عدم عضویت در حزب بعث دارد. "تروتسکی" زمانی گفته بود: "ما تنها به وسیله عضویت در حزب می‌توانیم صاحب حق باشیم به خاطر آنکه تاریخ راه دیگری برای برحق بودن برای ما باقی نگذاشته است" (آرنت، ۱۳۶۶:۳۴).

نگاه باغبان^۱

رابطه میان گروه‌های جامعه، ممکن است افقی و یا عمودی باشد. در حالت رابطه عمودی، حزب یا طبقه و قومی مستبد در بالا و حزب، طبقه یا گروهی پایین‌دست و مورد تحقیر و استثمار قرار می‌گیرند. این بالادست‌ها می‌توانند سیاست‌های گوناگون را در برابر گروه‌های پایین‌دست اجرا کنند. از قتل‌عام و کوچ اجباری تا وادار نمودن به همگرایی و مشارکت آن‌ها. پایین‌دست‌ها نیز ممکن است در برابر این سیاست‌ها، واکنش نشان دهند: تمکین یا پذیرش آسیمیلیسیون یا مقاومت با مبارزه... نگاه باغبان به باغ، نگاه نیروی بالادست نسبت به گروه پایین‌دست جامعه تعبیر شده است.

باغبان، خود را مالک باغ می‌داند و داری قدرت و تنظیم چگونگی رشد باغ است و شاخه‌های اضافی، را که مخالف و یا ناخوشایند نظر او باشند هرس می‌کند. در اینجا فرد و جمع برای باغبان چون بذر و سبزه خواهند بود (صالح، ۲۰۰۲:۶). در اینجا باغبان

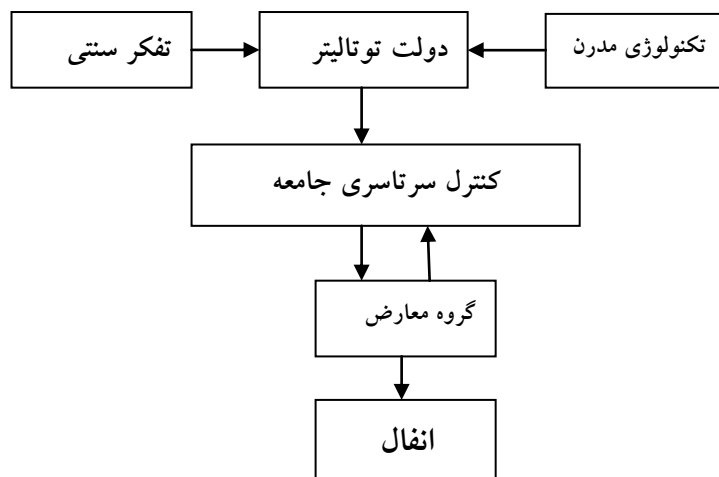
1. Gardener vision

است که تصمیم می‌گیرد کدام شاخه باید رشد کند و ثمره دهد و کدام یک نابود شود. در واقع نگاه باغبان اشاره به قدرت هراسناک دولت در تنظیم جامعه و هرس کردن آن دارد.

چارچوب نظری تحقیق

اگر دولت عراق را با شاخص‌های یک دولت توتالیتر سنجش کنیم که دارای یک ایدئولوژی، یک حزب، یک رهبر و قدرتی فراگیر است و کنترل اقتصاد و تمام نهادها را بر عهد دارد و درعین حال دارای زمینه قبیله‌ای و عشیره‌ای ریشه‌داری است و در دوران جدید با کنترل دولت، کنترل ابزارهای نرم و سخت قدرت را در اختیار گرفته، بنابراین تاب تحمل افراد و گروه‌هایی را نخواهد داشت که از در مخالفت با او درآیند. در واقع کسانی را که معارض او باشند از صحنه بیرون خواهد کرد. این دولت درعین حال دارای ریشه‌های فکری سنتی است که ما را به معیار مشابهت در جامعه مکانیکی دورکیم سوق می‌دهد. در همان حال این فکر سنتی، با در اختیار داشتن قدرت و تکنولوژی، اختیارات یک باغبان در باغ را داراست.

مدل نظری تحقیق



تعریف مفاهیم اصلی

دولت: واژه دولت از ریشه لاتینی State به معنای ایستادن و به صورت دقیق‌تر، از واژه Status به معنای «وضعیت مستقر» گرفته شده است (این واژه همچنین در معانی "پایگاه، مستقر، شأن شهروندی و پایه حکومتی هم به کار رفته است" (وینست، ۱۳۷۶: ۳۶ و ۳۷). دولت طبق تعریف به معنای اداره کشور است که مشروعیت اجرای اعمال قدرت را دارا است.

دولت توتالی‌تر: آنچه موردنظر ما است اشاره به این معنا است که حکومت‌های زورگو، خود چند نوع هستند و هم چنانکه می‌دانیم حکومت توتالیتر متمایز از حکومت‌های مطلقه و استبدادی است. حکومت مطلقه، حکومتی چون لویاتان‌هابز است. این حکومت اگرچه دارای قدرت است اما برای حفظ امنیت و آسایش شهروندان به وجود آمده و نظریه‌پرداز آن، یکی از بنیادگذاران جامعه مدنی^۱ به حساب می‌آید. اما در توتالیترایسم خبری از جامعه مدنی نیست و در واقع از طریق نابودی جامعه مدنی خود را به منصفه ظهور می‌رساند. در حکومت استبدادی، چنانکه

«کاتوزیان» می‌گوید فرمان حاکم بر قانون برتری دارد. حکومت توتالیتار علاوه بر آنکه زورگوست، دارای ویژگی‌های خاص خود است که در بالا به آن اشاره شد.

جامعه سنتی: جامعه‌ای است که اندیشه سنتی در آن مسلط است و با ویژگی‌های خود، از دولت مدرن و اندیشه نو متمایز می‌شود. تفکر سنتی می‌تواند دولت مدرن، را سنتی اداره کند. در این نوع دولت، پدر و قبیله و سنت، فاکتور اصلی و محوری است. دولتی چون بعث، با وجود آن که در ظاهر امروزی است، بسیاری از رهبران آن دارای تحصیلات عالیه و مسلط بر زبان خارجی هستند و دولت در سطح کلان دارای روابط دیپلماتیک با سایر کشورهای جهان است، اما اندیشه‌های حاکم و کاراکترهای آن، سنتی و قبیله‌ای است و در بهترین حالت و به قول هشام شرابی یک پدرسالار جدید است (شرابی، ۱۳۸۵). نکته مهم این است که چنین دولتی، چه رابطه‌ای می‌تواند با ملت داشته باشد. دو دیدگاه تجویزی و تحلیلی در مورد دولت وجود دارد که یکی می‌گوید بهترین نوع رابطه دولت و ملت چگونه باید باشد و دیگری می‌گوید در واقعیت چه نوع ارتباطی وجود دارد (بشیریه، ۱۳۷۴:۱۹).

روش تحقیق

حادثه انفال پدیده‌ای مربوط به گذشته است. روش تحقیق مناسب برای بررسی آن، تحقیق تاریخی است. ویژگی تحقیق تاریخی از نظر رابرت. ک.ین چنین است که محقق به دنبال "پاسخ به چرایی و چگونگی است، مربوط به گذشته است و محقق بر رویداد کنترلی ندارد" (ین، ۱۳۸۱:۷). "روش تحقیق تاریخی یکی از انواع تحقیقات کیفی است که از طریق تجزیه و تحلیل مدارک مربوط به وقایع گذشته و در صورت امکان مصاحبه با شاهدان واقعه صورت می‌گیرد (علی احمدی، غفاریان، ۱۳۸۲).

محقق دیگری می‌افزاید "روش تحقیق تاریخی یکی از راهبردهای تحقیق است که در چند سطح تحلیلی مطرح می‌شود و می‌تواند حالت قیاسی یا استقرائی به خود گیرد.

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۰۹

یکی از محصولات این راهبرد فهم شرایط سازمانی، فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در آن پدیده‌ها رخ می‌دهند" (محمدی نسب، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در این روش از تکنیک اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. "اسناد تاریخی مطالعه شامل مدارک اولیه، ثانویه، مدارک جاری و گردآوری مجدد مدارک می‌باشند" (علی احمدی، غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۵۴). اسناد مورد استفاده در این تحقیق از سویی مطالعه و نوشته‌های نظری در رابطه با این پدیده و از دگر سو کمک از اسناد اصلی مربوط به عملیات انفال است که توسط اجراکنندگان عملیات ثبت و ضبط شده است و بعد از سقوط صدام در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است.^۱ این گزارش‌ها با ذکر نام، تاریخ عملیات و منطقه عملیاتی را مشخص نموده‌اند. یکی از دلایل ضبط این اسناد، ترس سربازان و اصول نظامی بوده است. پس از سقوط رژیم بعث این اسناد و مدارک در اختیار رسانه‌ها و محققان و سازمان‌های حقوق بشر و کشورهای قدرتمند قرار گرفته است. صحت و اعتبار این مدارک از سوی محققان و گزارش‌ها گوناگون تأیید شده است.^۲

بعضی از افرادی که از حادثه جان سالم بدر برده‌اند به‌عنوان شاهد عینی در دادگاه‌های بعد از صدام شهادت داده‌اند و فیلم‌های مستند زیادی از طریق تاریخ شفاهی در این رابطه تهیه شده است.^۳ بخشی از این اسناد و تحقیقات مرتبط با انفال منتشر و در اختیار عموم قرار گرفته است. در این تحقیق با توجه به اسناد منتشر شده و به‌جامانده از

۱- بعد از سقوط صدام بیش از بیست تن اسناد به‌جامانده از رژیم بعث عراق در اختیار نیروهای آمریکای و سازمان ملل متحد قرار گرفت. آدرس بعضی از این گزارش‌ها (تحت عنوان نظارت حقوق بشر) در بخش منابع ذکر شده و یک سند از حوزه عملیاتی کرکوک ضمیمه مقاله شده است.

۲- بنگرید به گزارش‌ها:

middle east and human right watch, 1998, و www.hrw.org/reports/1993/Iraqanfal.

۳- این فیلم‌های مستند از طریق اینترنت قابل دسترسی است.

عملیات انفال و شواهد تجربی و مستدل تلاش شده است تا به سؤالات تحقیق جواب داده شود.

بررسی موضوع

برای بررسی موضوع تلاش می‌کنیم ضمن توجه به زمینه موضوع، وقایع را در یک‌روال منطقی قرار دهیم. کار محقق در تحقیق تاریخی بایستی "تعیین آنچه رخ داده است، تعریف وقایع به شکل مسلسل، تحلیل و تفسیر روابط بین این وقایع و در نهایت کشف قانون علمی است که با آن بتواند دریابد که این حوادث چگونه رخ داده‌اند" (آیین وند، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

کشور عراق پس از جنگ جهانی اول و از تقسیم امپراتوری سابق عثمانی تحت قیمومیت انگلستان تشکیل می‌شود. عراق از دو قومیت عرب و کرد ساخت می‌یابد که از همان ابتدا عرب‌ها در قدرت قرار می‌گیرند و کردها به دنبال هویت دست به مقاومت می‌زنند. رژیم بعث عراق در سال ۱۹۶۸ به قدرت می‌رسد. این رژیم بر پایه ایدئولوژی بعثی و ناسیونالیسم عربی پایه‌گذاری می‌شود و از همان زمان سیاست تعریب و ترحیل را نسبت به کردها اجرا می‌کند. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کردهای فیلی شیعه مذهب و ایزدی را کوچ می‌دهد. در سال ۱۹۷۴ شهر قلعه را خالی از سکنه می‌کند و نزدیک به ۴۰۰ نفر از افراد مدنی آن را می‌کشد. بعد از شکست دادن شورش بارزان در سال ۱۹۷۵ ده‌ها روستا را تخلیه و بخشی از خانواده‌ها از جمله از طایفه بارزانی را در شهر اربیل اسکان می‌دهد (Bruinienssen, 2000: 16).

اکنون باید به سؤالات تحقیق جواب بدهیم و لازم است بدانیم آیا دولت بعث عراق دارای ویژگی‌های دولت توتالیتر است یا خیر؟ از آنجا که پدیده‌های اجتماعی به دلیل جوهره تغییرپذیر انسان و شرایط ویژه، خصلتی سیال و لغزنده دارند، «ماکس وبر»

جامعه‌شناس شهیر را واداشت تا معیاری به نام «تیپ ایده‌ال»^۱ برای پدیده‌های اجتماعی طراحی کند که در واقع نوعی معیار نظری است و عین آن در دنیای واقع وجود ندارد. با این معیار می‌توان آگاهانه، فاکتوری را اضافه یا کم کرد. ما شش ویژگی پیش‌تر یادشده را به‌عنوان معیارهای دولت توتالیتار بعث در نظر می‌گیریم. اگر حکومت بعث فاکتورهای بیش یا کمتری هم داشته باشد، از اهمیت موضوع مورد بحث نخواهد کاست و از نظر تحقیق، این دولت دارای ویژگی‌های چنین دولتی است.

عراق زمان صدام حسین تک‌حزبی است. حزب بعث با ایدئولوژی خاص خود، نوعی ایدئولوژی که ریشه‌های آن به اندیشه‌های ناصریسم و ناسیونالیسم عربی بازگشته و در عین حال از فرهنگی عربی یا ظاهری دینی و گه‌گاه از اندیشه‌ای سوسیالیستی نیز به فراخور مقتضیات بهره می‌جست.

ایدئولوژی بعث و حزب بعث و صدام به‌گونه‌ای به یکدیگر نزدیک و بر هم منطبق هستند که گویی یک‌چیزند. این سه با کمک هم، همه‌چیز را کنترل می‌کنند، اقتصاد، رسانه‌ها، امنیت و اطلاعات و گارد ریاست جمهوری، همگی تحت امر بعث هستند. عراق و صدام و حزب بعث یک‌چیز هستند. کسی نمی‌توانست صرف‌نظر از مسیر و کانال بعث یا صدام، در رکنی از ارکان حکومتی قرار گیرد. هیچ کتابی که مورد پسند صدام و بعث نباشد چاپ نمی‌شد. هر کس و هر گروهی که سر ناسازگاری داشته باشد مورد ارباب قرار می‌گیرد.

با این اوصاف، نکته‌ای که به ذهن می‌رسد آن است که چنین حکومتی، یک حکومت یکسان‌ساز است و حزب و ایدئولوژی دیگری را نمی‌پذیرد. دیگران باید بعثی باشند و همه باید زیر یک پرچم قرار گرفته و فعالیت کنند. اگر کسی بعثی نباشد به رنگ دیگری است و چون یکسانی را زیر سؤال برده است باید حذف و یا پاک‌سازی شود. فکر یکسان‌سازی و یکرنگی، اندیشه مربوط به دوران کهن و قبیله‌ای است. در اینجا است که لازم است برخی ویژگی‌های کهن و سنتی جامعه را یادآوری کنیم تا

1. Ideal type

خصلت سنتی دولت توتالی‌تر بعث را آشکار کنیم چون از این طریق است که وجه دیگری از مسئله، برای ما روشن خواهد شد.

در جامعه سنتی فرد و دیگران^۱ متفاوت معنایی ندارد و همه اعضا باید در خدمت مصالح کلی باشند. فرد در این جامعه، اگر در خدمت جمع نباشد یا سرپیچی کند به سختی مجازات خواهد شد. به گفته دورکیم وجدان جمعی نیرومند بوده و حقوق آزاردهنده است (مندراس ۱۳۴۹:۲۱۵ تا ۲۳۵). اکنون باید بدانیم آیا اندیشه سنتی بر حزب بعث در عراق حاکم است یا خیر؟ این حزب، یگانه حزب عراق است و حکومت در حوزه اقتدار آن قرار دارد. صدام از طریق کودتا، رئیس‌جمهور عراق می‌شود که شیوه نامشروع به قدرت رسیدن دولت است و کودتا فقط در جوامع سنتی اتفاق می‌افتد و فقط در چنین جوامعی مشروعیت می‌یابد. صدام از همین زاویه است که پیش از همه چیز تکیه‌گاهی خانوادگی برای خود می‌آفریند. به خود، به پسرانش عدی و قصی، به برادرانش، عموهایش، پسرعموهایش و در ادامه اهالی تکریت و از آن‌هایی که خود می‌شناسد و دوستانش و کسانی که چون او می‌اندیشند، تکیه می‌کند.

صدام با عقلانیت سنتی، خود را بزرگ و سرور قبیله می‌داند. شخصی که اجازه نمی‌دهد کسی از او انتقاد کند و به او شک کند چراکه چنین حقی در جامعه سنتی، اساساً تعریف نا شده است. "بیان اندیشه از بنیادهای جامعه مدرن است" (مندراس، ۱۳۴۹:۲۲۹). هر قبیله برای خود، دارای نشان و نمادی است که آن را از سایر قبایل جدا می‌سازد. کسی که دارای این نشانه و نماد باشد دوست و کسی که فاقد آن است دوست نیست حتی اگر دشمن هم نباشد. در حکومت صدام، مفهومی به نام «تقسیم قدرت» وجود نداشت. صدام هم رهبر و هم قانون‌گذار بود، هم قاضی بود و هم فعال مایشاء. صدام خیلی از افرادی را که دشمن تشخیص می‌داد بلافاصله و بدون هیچ

مقدمه‌ای و محاکمه‌ای به مرگ محکوم می‌کرد و فاصله چندانی میان تصمیم و اجرای آن وجود نداشت.

از همین نگاه، نظر یکی از نویسندگان در مورد آنکه "حکومت بعث حامل برخی ویژگی‌های مدرنیته بوده است، قابل تأمل است" (مریوان، ۱۹۷۷). اصولاً طبق تعریف، دولتی مدرن نامیده می‌شود که "حوزه جامعه مدنی را تعریف و خود از آن دفاع می‌کند" (باربیه، ۱۳۸۳). در عراق سابق، جامعه مدنی محلی از اعراب نداشت. در ثانی دولت‌های مدرن بسیاری وجود دارند که کسی را نمی‌کشند. این، علت وجودی دولت مدرن نیست که دست به قتل‌عام می‌زند بلکه هم‌نوایی تکنولوژی مدرن و اندیشه سنتی است که فاجعه‌آفرین است. مشکل در تفکر و ایدئولوژی سنتی است که دیگری را نمی‌پذیرد و هنگامی که تکنولوژی در اختیار او قرار می‌گیرد به راحتی می‌تواند دیگری را از صحنه بیرون براند. در واقع در این دولت‌ها، جدایی فرهنگ مادی از معنوی یا پس‌افتادگی فرهنگی^۱ اتفاق می‌افتد. "فرهنگ مادی و معنوی اگر با به پای یکدیگر پیش نروند، در آن هنگام یک شکاف فرهنگی به وجود می‌آید" (کوئن، ۱۳۷۶). این مسئله یک آسیب است اما این آسیب زمانی جدی‌تر خواهد شد که یک اندیشه سنتی، بوروکراسی و سلطه دولتی و وسایل کشتار جمعی را بدون هیچ نظارت محدودکننده‌ای در اختیار می‌گیرد.

یک دولت با اندیشه و اعمالش است که سیمایی سنتی یا مدرن پیدا می‌کند. به همین دلیل، از نظر ما سلطه بعث دارای هسته‌ای سنتی و قبیله‌ای است. همان نکته که محقق «مریوان» معتقد است قدرت صدام «کاریزما» است دال بر این نظر است که قدرت او، سنتی است. صدام با کشتن بدون محاکمه قانونی، افراد نشان می‌دهد که خودش قانون‌گذار، داور و مجری قانون است. تنها در یک جامعه سنتی است که تقسیم قدرت اساساً مفهومی تعریف‌ناشدنی است و نظارت بر رئیس قبیله بی‌معناست.

تا اینجا ما به این نکته رسیده‌ایم که در عراق، صدام حسین، حکومتی توتالیتر بنیاد نهاده است و قدرت سخت و نرم را در اختیار دارد. رهبر حزب و مالک نفت و پول و تکنولوژی است. گالبرایت در کتاب «آناتومی قدرت» منابع قدرت را در سه بخش "شخصیت، دارایی و سازمان تقسیم می‌کند" (گالبرایت، ۱۳۷۴). صدام هر سه منبع را در اختیار دارد. یعنی صدام دارای شخصیت کاریزمایی است، صاحب دارایی نفتی عراق و حاکم بر دستگاه دولتی عراق است، بنابراین، عراق حکومتی توتالیتر است که ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. این حکومت، ساختاری بنیاد گذارده است که ما چند ویژگی آن را بر می‌شمریم:

- ۱- صدام تمام منابع قدرت در عراق را در اختیار دارد.
 - ۲- معیار بقا و خوب بودن هرکسی یعنی بودن و همراهی و همنوایی با آن است.
 - ۳- قدرت متمرکز و در اختیار بعث و همه در تابعیت صدام هستند.
 - ۴- این قدرت، پدرسالار بوده و تکنولوژی مدرن را در کف دارد.
 - ۵- فرهنگ این حکومت برای مردم و شهروندان فرهنگ فرمانبری است.
- صدام، نه مانند رهبر بلکه به مثابه خالق و آفریننده در کشور نمود می‌یابد و شناخته می‌شود. خالقی که در تمام وجوه حیات اجتماعی و خانوادگی و سیاسی و فرهنگی عراق، باید نمادی داشته باشد. تمام مردم باید این واقعیت را بدانند و با تمام وجود احساس کنند. حضور صدام در کل عراق، ساری و جاری است. تصویر او در تمام ادارات و مجسمه او در میدان‌های تمام شهرها باید نصب می‌شد. نامه باید به نام او آغاز می‌شد. هر درخواستی باید، درخواست از شخص صدام حسین باشد. به عنوان مثال، مجله «رنگین» همیشه در صفحه نخست خود عکس و سخنرانی و نصایح صدام را چاپ می‌کرد، سایر صفحات مجله دیگر مهم نبود که حاوی چه مطالبی باشند. اما با وجود تمامی این عوامل، صدام باز هم هراس داشت. صدام برای دستیابی به این موقعیت و تداوم این وضعیت، واجد این پنج مقام بود؛ صدام رهبر، رئیس جمهور، رئیس حزب بعث، فرمانده کل نیروهای مسلح و رئیس شورای فرماندهی انقلاب است

هرکدام از این درجات کافی است که صدام را به‌عنوان رهبر یک نظام توتالی‌تر معرفی نماید. تازه این‌ها برای کنترل قدرت سراسری نزد صدام کم است. به همین دلیل باید تمام شئون از پایین‌ترین سطح تا بالاترین آن، زیر کنترل صدام باشند. پسران او قابل وثوق‌ترین هستند. اگر اقتضای سنی محدودکننده نباشد، عدی و قصی نمونه این پسران هستند.

عدی پسر صدام؛ رئیس روزنامه بابل، رئیس رادیو صدای عراق، رئیس سه کانال تلویزیونی، رئیس ده‌ها هفته‌نامه و مجله، رئیس سندیکای اطلاع‌رسانی، بنیان‌گذار و رهبر فداییان صدام و رئیس کمیته ورزش است.

قصی پسر کوچک‌تر صدام؛ ناظر گارد ریاست جمهوری، دبیر حزب بعث و عضو عالی استخبارات است. علی شیمیایی پسرعموی صدام، از خانواده او، قابل‌اعتماد و دست راست صدام، ژنرال، عضو حزب بعث و عضو شورای فرماندهی انقلاب است. داماد و پسر و برادران دیگر، همگی عضو حزب بعث و دارای مناصب حکومتی هستند. این حکومت، "بعثی بودن" را معیار و شاخص راستی و درستی و عامل تشخیص «خودی» از «غیرخودی» قرار می‌دهد. در میان اعضای حکومتی، کردهای شیعه و مسیحی هم حضور دارند. فاکتور و عامل اصلی حضور و موفقیت آن‌ها، شایستگی آن‌ها نیست بلکه "بعثی بودن" است. بعثی بودن عامل اعتماد و هم‌رنگی است. "طاها محی‌الدین معروف" کرد است، "سعید صحاف" شیعه و "طارق عزیز" مسیحی است. طارق عزیز از همه بیشتر مورد وثوق است چون کمترین تمایلی به قدرت ندارد. سایر مقامات نیز از قبیله صدام انتخاب‌شده‌اند یا تکریتی و یا اهل رمادیه هستند. در قدرت سنتی، مکان و جغرافیا، نقشی محوری دارند.

اصل دومی که این سیستم را به‌عنوان یک نظام سنتی عشیره‌ای بازنمایی می‌کند، عدم حضور زن در نظام اداری کشور است. حتی اگر این زنان، همسر یا دختران صدام باشند. هنگامی که دامادهای فراری صدام از کویت بازگشتند و به جوخه‌های آتش‌سپرده می‌شوند، کمترین تهدیدی متوجه دختران نیست چون زن فاقد عقل سیاسی

قلمداد می‌شود. فهرست ۵۵ نفری از افراد بعثی مورد تعقیب آمریکا در عراق پس‌اصدام، این ادعای ما را تقویت می‌کند. در این نوع حکومت انتقاد ممنوع، شک کردن ممنوع و اندیشیدن از نوعی دیگر ممنوع است. هنگامی که در بمباران شیمیایی حلبچه، یکی از مقامات بلندپایه به اخلاق ناروا در شیمیایی باران اشاره می‌کند بلافاصله اعدام می‌شود. پس از انفال، هنگامی که پیرمردی، درباره گم‌شدگان خانواده خود از فرمانداری سؤال می‌کند؛ پاسخ می‌دهد: "ما از تو ناتوان‌تر هستیم تو می‌توانی سؤال کنی اما ما حتی نمی‌توانیم سؤال هم بپرسیم" (صالح، ۲۰۰۲). کشتن در این فرهنگ، امری عجیب نیست بلکه دیگری را کشتن، حتی سرگرمی هم می‌تواند باشد. این حکومت هر موجودی را که «نه» بگوید از دم تیغ می‌گذارند. شاید این مسئله بتواند بخشی از کشتار خانواده صدام و شیعیان را توجیه کند.

توتالیترسیم همیشه ناراضی است و خصالتی پیش‌رونده دارد. با این اوصاف، صدام بازهم ناراضی بود. از نظر او عده‌ای منحرف هستند و هنوز ایمان نیاورده‌اند. عده‌ای ساز مخالف می‌زنند و باید کنترل شوند. مردم هرچند دعا می‌کنند: «اللهم احفظ صدام و عراق» اما صدام آرام نمی‌گیرد، بنابراین همه‌چیز باید به‌سوی او، در خدمت او و برای او باشد. عراق بدون صدام بی‌معنا می‌نماید و این را همه باید بدانند.

در اندیشه صدام، مسئله‌گرد، و سرپیچی آن‌ها از دستورات صدام خطایی نابخشودنی است. این‌ها اقلیتی هستند که "از تاریخ تشکیل عراق جدید و حتی فراتر از آن سابقه تفاوت‌پذیری و سازش‌ناپذیری و مقاومتی مزمن دارند" (کوچیرا، ۱۳۷۳).

آن‌ها بارها و بارها تنبیه شده‌اند اما هر بار سرسخت‌تر از دفعه گذشته، شروع به مقابله کرده‌اند. شاید یک فرصت تاریخی لازم باشد تا برای همیشه این تفاوت و مقاومت نابود شود.

انفال این فرصت تاریخی است. این موضوع هم نشان می‌دهد که عملیات انفال، بی‌مقدمه و برنامه نیست، بلکه ادامه پروژه «مهندسی تداوم کشتار» و سرکوب در عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث و حتی پیش از آن بوده است. درواقع خیلی از

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۱۷

پدیده‌ها تاریخی هستند و برای درک بهتر آن‌ها توجه به این تاریخ ضروری است. در این رابطه بشیریه می‌نویسد: "دیدگاه نظری و غیر تاریخی در جامعه‌شناسی کاری سخت و خسته‌کننده است" (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۴).

در قانون اساسی عراق، وجود کردها به‌عنوان یک قومیت پذیرفته شده بود اما آنچه موردعلاقه حکومت عراق بود، سکوت و اطاعت گروه‌های قومی از حزب بعث و شخص صدام بود. عضویت در بعث به معنای پذیرش حاکمیت صدام و همنوایی و همراهی باسیاست‌های او بود. کردها به حکومت بعث و صدام معترض بودند و گرنه کرد بیش از هزار سال است که به اسلام گرویده است. علاوه بر آن هویت آن‌ها در عراق جدید پذیرفته شده و آموزش به زبان کردی از آغاز کشور جدید عراق در این کشور آزاد بوده است. جدای از این، چرا کردهای بغداد انفال نمی‌شوند. در بغداد دانشجویان کرد زندگی می‌کنند و در دانشگاه موصل و بغداد، زبان و ادبیات کردی را می‌خوانند. فرهنگستان ادبیات کردی در بغداد فعال است و پوشش کردی ممنوع نیست. هر حکومتی می‌تواند برای خود فرهنگی ساختگی تولید کند. درواقع حکومت‌ها یکی از دو نوع فرهنگ زیر را بازتعریف می‌کنند.

«فرهنگ مشارکت» و «فرهنگ سرسپردن». حکومت تکثرگرا در پی فرهنگ «مشارکت» و حکومت توتالی‌تر در پی فرهنگ «سرسپردگی» است. فرهنگ بعث، فرهنگ دیکتاتوری یعنی تولید و راهبری «فرهنگ سرسپردگی» بود. این موضوع هم از اندیشه سنتی پاتریمونالیسم الهام می‌گیرد و قائل به پدرسالاری سیاسی، فرمان‌راندن و سرسپردگی بی‌چون و چرای پیروان است. "تقدس قدرت و نقد ناپذیری آن، نابودی رقیب از اصول این نهاد هستند" (بشیریه، ۱۳۷۸: ۶۶).

کردها به دنبال مشارکت و صدام به دنبال اطاعت آن‌هاست. این دیالکتیک اعلام بیعت از سوی دولت و انکار آن از سوی کردها، سال‌ها با خشونت ادامه داشته و به نتیجه نرسیده است. علی شیمیایی در سال ۱۹۸۷ حکم فرماندهی و درواقع سرکوبی "شمال" را از صدام می‌گیرد. معنای ساده این حکم این است که هرچه می‌خواهی

انجام بده چون هیچ‌کسی حق بازخواست از شمارا نخواهد داشت. "صدام به سپهد علی حسن المجید که به خاطر علاقه‌اش به بمباران و استفاده از سلاح شیمیایی به علی شیمیایی معروف شده بود، دستور می‌دهد تا فرماندهی این جنایت را برعهده گرفته و آن را به مرحله اجرا بگذارد... اکنون می‌بایست به کمک تکنولوژی غرب و بدون شاهد خارجی این عملیات انجام پذیرد. یک نوع راه‌حل نهایی برای از بین بردن مسئله‌ای به نام مسئله کرد. این لشکرکشی و حمله ناجوانمردانه را با بر چسبی به نام انفال مزین کردند" (دشنر، ۲۰۱۱: ۴۲).

علی شیمیایی دبیر اول شمال (یعنی کردستان) می‌گوید: "نیروهای امنیتی باید خرابکاران را در روستاهای ممنوعه شناسایی کنند" (صالح، ۲۰۰۲: ۴). "ارتباط روستاییان در مناطق ممنوعه، باید با خرابکاران قطع شود... با هدف کشتن، به سوی آنها تیراندازی کنید و نیروی هوایی، بمباران شبانه‌روزی مناطق را به صورت تصادفی^۱ آغاز کند. هدف از این کار، قتل عام هر چه بیشتر ساکنان است و بازهم می‌گوید: "تمام بازداشت‌شدگان را تخلیه اطلاعاتی و سپس افراد در سنین ۱۵ تا ۷۰ ساله را اعدام کنید" (همان منبع).

آن‌ها مناطق را از نظر امنیتی تقسیم‌بندی می‌کنند. "مناطق ممنوعه" شامل تمام مناطقی است که در کنترل دولت نیست. من بعد هر جا قدرت دولت و صدام نیست، منطقه ممنوعه است و دستور در آن قابل اجرا است؛ البته با ذهنیت و اختیارات علی حسن المجید. علی شیمیایی می‌گوید: "من دوست دارم آن‌ها را با بولدوزر دفن کنم" (Human R.W, 2003: 4). این دگرکشی، پشیمانی و ندامت به همراه ندارد. عزت‌الدوری در سال ۱۹۹۱ می‌گوید: «کردها به یادتان بیاوریم که ما آماده‌ایم عملیات قبلی را دوباره تکرار کنیم». علی شیمیایی در جای دیگر می‌گوید: "ما می‌خواهیم کردها را با سلاح شیمیایی از میان برداریم". کسی هم نمی‌تواند ادعایی کند. سازمان ملل متحد؟...

سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشر و آن‌هایی که بدان گوش می‌کنند" (گلد برگ ۲۰۰۲: ۵).

سال ۱۹۸۸ سال اوج و رونمایی علنی پدیده انفال است. پیش‌تر طبق یک نامه محرمانه با شماره ۲۸/۴۶۸۴ در تاریخ ۱۹۸۵/۶/۲۹ چنین دستوری صادر می‌شود که در این مناطق زیربناهای غذایی را نابود کنید، غیر از موارد دارای مجوز، حمل مواد از یک استان به دیگری را ممنوع کنید، از رسیدن غذا به خرابکاران جلوگیری کنید. خدمات روستاییانی را که با خرابکاران در تماس هستند قطع کنید، از حمل و خرید مناطق محرمه جلوگیری کنید و در دستوری دیگر می‌گوید "رابطه افراد درجه دو با خرابکاران را قطع کنید. هم چنانکه تلفن‌خانه‌های آن‌ها را قطع می‌کنید" (نقل از Shorsh, 2011). در اجرای عمل پیشاپیش "این مناطق را مناطق ممنوعه، (المنطقه المحذوره یا منطقه المحرمه) می‌نامد (Yildiz, 2005). سپس دستور صادر می‌شود که آب، برق، سیستم حمل و نقل و سایر مایحتاج روستاییان قطع شود" (Shorsh, 2011). در این مرحله "مردم روستا به صورت قانونی و اداری مورد سرکوب واقع می‌شوند" (Human Right watch, 1994). روستاییان مناطق ممنوعه پس از عملیات، حق قانونی خرید و فروش را از دست می‌دهند. فقط چند هفته پس از شروع عملیات روستاها تخلیه و در مکان‌های جدید به نام مجتمعات اسکان داده می‌شوند (Yildiz, 2005: 25). علی شیمیایی می‌گوید "اگر این‌طور عمل نکنیم خرابکاری میلیون‌ها سال ادامه می‌یابد" (رندل، ۱۳۷۶).

انفال یک مهندسی کشتار جمعی است. پروژه ای که دارای سه مرحله متوالی است.

۱- تعریف^۱ (شناسایی) منطقه

۲- بازداشت^۲

۳- قتل عام^۳

-
1. definition
 2. Concentration (Seizure)
 3. Annihilation

یعنی در مرحله اول منطقه عملیاتی مشخص می‌شود در مرحله بعد این منطقه محاصره و موردتهاجم قرار می‌گیرد و در مرحله سوم تمام آثار انسانی و فرهنگ آنها و حتی احشام و حیوانات وحشی منطقه مورد حمله قرار می‌گیرد. در عملیات انفال فرماندهانی چون سلطان هاشم، عادل خلیل ذکی و نیروهای دفاع ملی، کردهای مزدور، نیروی ویژه، نیروی اضطراری، نیروی گارد، نیروی هوایی، نیروی حفاظت ریاست جمهوری و نیروهای مخابرات (اطلاعات) شرکت داشتند. این عملیات که عمدتاً در سال ۱۹۸۸ به انجام می‌رسد در هشت مرحله پی‌درپی در مناطق بیشتر روستایی کردستان عراق به شرح زیر انجام می‌شد؛

مرحله اول عملیات

این عملیات منطقه و دره جافایتی را از ۲۳ فوریه تا ۱۹ مارس ۱۹۸۸ در برمی‌گیرد. عملیات در منطقه سورداش، بنگرد، ماوت، قیوان، ولاخلو، سرگلو، برگلو، هلدن، مالومه، یاخسمر، گوره‌دی، گلاله و گومه‌زل اجرا می‌شود (Yildiz, 2005). پس از مرحله اولین مرحله از انفال است که حمله شیمیایی به حلبچه صورت می‌گیرد. در بمباران حلبچه، دیدبان حقوق بشر اسامی ۳۲۰۰ نفر کشته را ارائه می‌دهد، اما بیشتر آمارها از رقمی در حدود ۵ تا ۷ هزار قربانی سخن به میان می‌آورند (Middle east watch, 1998).

مرحله دوم عملیات

این عملیات با حمله شیمیایی به روستای سیوسنان آغاز می‌شود (Yildiz, 2005). اما عملیات بیشتر در حوزه قره‌داغ اجرا می‌شود و از ۲۲ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۸۸ ادامه

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۲۱

می‌باید و مناطق و روستاهای گومه‌زرد، سگرمه، جافراوا، قره‌داغ، کوشکی سور و تکیه را در برمی‌گیرد (Shoresh, 2011).

مرحله سوم عملیات

مرحله سوم عملیات در حوزه گرمیان اجرا می‌شود و مناطق لیلان و چمچمال و روستاهای طالبان، سنگاو، پونگلا، دروزنا، چارمگ، قادرکرم، تازه شار، عزیزقادر، ابراهیم غلام و کولجو را شامل می‌شود (Shoresh, 2011; Yildiz, 2005). در این عملیات ۱۰۰۰۰ نفر از ساکنان منطقه گرمیان نابود می‌شوند.

مرحله چهارم عملیات

مرحله چهارم عملیات در حوزه کرکوک و کویسنجق واقع می‌شود و حوزه شوان، شیخ زینی، نراگین، سیگردکان، کانی رش، سرچنار، قرناوو قسروک را در برمی‌گیرد.

مراحل پنجم، ششم و هفتم عملیات

که در دو منطقه خوشناوتی و بالکایتی اجرا می‌شود.

مرحله هشتم عملیات

که در منطقه بادینان اجرا می‌شود (Shoresh, 2011).

در این عملیات گسترده از هلی‌کوپتر، جت‌های میگ و سوخوی روسی و سلاح مرگبار شیمیایی استفاده می‌شود. در این میان هر جنبنده‌ای اعم از انسان و حیوان مورد هدف قرار می‌گیرد. هر کس کشته می‌شود کشته شده و بقیه دستگیر می‌شوند. پس از دستگیری دو تفکیک جنسی و سنی صورت می‌گیرد. افراد زیر ۱۵ سال و بالای ۷۵ آزاد می‌شوند و بقیه به اردوگاه‌های صحرا و مناطق هم‌مرز عراق و اردن و عراق عربستان کوچ داده می‌شوند. اردوگاه‌های توپزاوا، دویز و نگره سلمان از بدنام‌ترین آن‌ها هستند.

در آنجا مردان تیرباران و با بولدوزر خاک می‌شوند و زنان به بردگی و اسارت گرفته می‌شوند. "در پایان این عملیات تخمین زده می‌شود در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر مردم بنه کن شدند و حداقل ۱/۵ میلیون نفر در شهرک‌های جدید اسکان مجدد داده شدند، در جولای سال ۱۹۸۸، ۴۵۰۰ کیلومتر از ۷۵۰۰ کیلومتر خاک کردستان عراق خالی از سکنه شده بود (Stansfield, 2003: 82).

"عملیات بدنام انفال در تخته قاپو کردن مناطق روستایی کرد و نابودی نزدیک ۴۰۰۰ روستا، ۱۷۵۷ مدرسه، ۲۴۵ مسجد و ۲۷۱ بیمارستان و مرکز بهداشتی و درمانی به انجام رسید و تقریباً عملیاتی موفقیت‌آمیز علیه نیروهای کرد بود" (Stansfield, 2003: 262, Stansfield, 2006) کار به همین جا ختم نمی‌شود در یکی از اسناد به‌جامانده اسامی ۱۹ تن از دختران کرد آمده است که برای تنبیه کردها آن‌ها را به کلوپ‌های شبانه در مصر می‌فرستند (سند ضمیمه است). علی شیمیایی در آن هنگام گفته بود: "از من انتظار دارند آن‌ها را سالم و سرحال نگه‌دارم... نه، من آن‌ها را با بولدوزر چال خواهم کرد" (رندل، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

رژیم بعث با این اقدام می‌خواست که تمام زیرساخت و زیربنای مناطق کردی را زیرو رو و به‌کلی از بین ببرد" (دشنر، ۲۰۱۱: ۴۲).

تا اینجا روشن شد که چرا در این منطقه جغرافیایی، مردم انفال می‌شوند. همان‌طور که می‌بینیم افراد شناسایی، بازداشت و قتل‌عام می‌شوند، اما این جغرافیا، هنوز مسئله را حل نمی‌کند، چون کسان دیگری هم هستند که در عین نایکسانی، تحت سلطه بعث هستند بنابراین، علی شیمیایی فرمان می‌دهد که خانواده خرابکاران و یاغیان سایر مناطق را نیز شناسایی، بازداشت و پس از انتقال به منطقه جغرافیایی طرح انفال، آن‌ها را نیز قتل‌عام کنند. به‌این ترتیب، رژیم بعث معیاری خلق می‌کند که به‌وسیله آن صدها هزار نفر کشته می‌شوند. آن‌هایی که کشته شدند، اندیشه‌ای متمایز و اخلاقی متمایز داشتند و نمی‌توانستند بپذیرند که به بعث و صدام ایمان بیاورند.

آن‌ها هم که عاملین این عملیات بودند، با ایدئولوژی، آماده انجام این پروسه شده بودند و تصور می‌کردند قتل عام مردم کاری مشروع و وظیفه حزبی، ملی و میهنی است. «استالین» زمانی گفته بود: "ویژگی هر بلشویک باید این باشد که بتواند حداقل یک دشمن حزبی را تحت هر چارچوب شناسایی کند" (آرنت، ۱۹۶۶:۱۹).

نتیجه‌گیری

دولت صدام در عراق به صورت غیرقانونی حکومت را تصرف می‌کند. از همان ابتدا و قدم‌به‌قدم یک دولت توتالیتر بنیان می‌نهد و تمام مخالفان و معاندان خود را نابود می‌کند. در سال ۱۹۸۸ عملیات مخوف انفال را با فکری قبیله‌ای و تکنولوژی جدید مثل استفاده از هواپیما و مواد شیمیایی انجام می‌دهد که طی آن هزاران روستا ویران و صدها هزار انسان کشته و زخمی و بی‌خانمان می‌شوند. در این عملیات سیستم دامداری و کشاورزی نابود می‌گردد، مردان قتل عام می‌شوند، هزاران نفر جلای وطن می‌کنند و بقیه در مجتمعات اسکان داده می‌شوند. این عملیات چیزی غیر از ژنوساید نیست.

قدرت دولت، بزرگ‌ترین قدرت در تمام گیتی است. اگر این قدرت توسط قانون محدود نگردد، عواقب خطرناکی را متوجه جامعه خواهد کرد. هر حکومت توتالیتری وحشت‌آفرین است. اگر در یک تلافی تاریخی حکومتی توتالیتر با اندیشه سنتی و تکنولوژی مدرن به هم برسند، هزینه‌های عظیمی را بر مخالفان خود تحمیل می‌کند. دولت در ذات خود دارای قدرتی بسیار عظیم است و در دولت توتالیتر تمام مکانیسم‌های کنترل و نظارت بر قدرت آن، از کار می‌افتند.

دولت خود منشأ قدرتی شگفت‌انگیز است و اگر مکانیسمی برای کنترل آن وجود نداشته باشد خطرناک می‌گردد. رهبران در حکومت توتالی‌تر، تمام موانع کنترل و انتقاد از دولت را از بین برده‌اند. به همین دلیل مخالفان خود را به راحتی از صحنه خارج

می‌سازند بدون آن‌که نگران عواقب اعمال خود باشند. قدرت آن‌ها با تکنولوژی‌های جدید چند برابر فزونی می‌یابد. بنابراین اگر قدرت بدون مکانیسم کنترل آن، خطرناک است قدرت دولت توتالیتر بافکر سنتی و تکنولوژی جدید، انفال آفرین است. دولت توتالیتر بیشتر متوجه دشمن داخلی است و در صورت تعریف چنین دشمنی، آن را نابود می‌کند.

حکومت بعث عراق در یک سیر تاریخی تمام قدرت را قبضه نمود و خصلتی توتالیتر پیدا نمود و مخالفان و معاندان را یکی‌یکی نابود ساخت. حکومت‌های تمامیت‌خواه خصلتی پیش‌رونده دارند و فرهنگ اطاعتی را تشویق می‌کنند. هر فرد یا گروه دیگری اگر از فرهنگ این دولت پیروی نکند اگر توان داشته باشد و قانونی داخلی و ناظری بیرونی آن را کنترل نکند، نفع خواهد شد.

منابع

- قرآن مجید.
- آیینہ وند، صادق. (۱۳۸۲)، *روشنندی و شرایط تحقیق در تاریخ و خالهای موجود در تاریخ اسلام*، قم، دفتر نشر معارف.
- آرنٹ، هانا. (۱۳۶۶)، *توتالیتریزم*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: جاویدان.
- اسماعیل‌زاده، خالد. (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی انفال، فصلنامه مهاباد*، سال هفتم، شماره ۸۳.
- باریه، موریس. (۱۳۸۳)، *مدرنیته سیاسی*، ترجمه: عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸)، *توسعه سیاسی و جامعه‌مائی*، تهران: نشر علوم نوین.
- دشنر، گونتر. (۲۰۱۱)، *کرد*، ترجمه: کمال‌الدین محمدی، اربیل: ئاراس.

توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ... ۲۲۵

- راش، مایکل. (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- رندل، جانانان. (۱۳۷۹)، *با این رسوایی چه بخشایشی*، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانیذ.
- شرابی، هشام. (۱۳۸۵)، *پدرسالاری جدید*، ترجمه: سید احمد موثقی، تهران: انتشارات کویر.
- علی‌احمدی، علیرضا؛ غفاریان، رئوف. (۱۳۸۲)، *اصول شناخت و روش تحقیق، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، شماره ۴۶ و ۴۷.
- علی، بختیار. (۱۹۹۷)، *از آرزوی مرگ تا آرزوی فراموش کردن، رهنده*، شماره ۷، سوئد.
- فتاح، آراس. (۱۹۹۷)، *گفتگو با یوست هیلترمان، رهنده*، شماره ۷، سوئد.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۱)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران.
- کوچیرا، کریس. (۱۳۷۳)، *جنبش ملی‌کرد*، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۳)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گالبرایت، جان. (۱۳۷۰)، *آنا‌تومی قدرت*، تهران: سروش.
- محامد، علی. (۱۳۹۱)، *تفسیر تطبیقی آیه شریفه انفال، فصلنامه مطالعات تفسیری*، سال سوم، شماره ۹.
- محمدی نسب، مهدی. (۱۳۹۰)، *کاربرد روش تاریخی در مطالعات مدیریت، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، شمار ۶۶.
- مندراس، هانری. (۱۳۴۹)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: امیرکبیر.

- وریا، قانع. (۱۹۹۷)، انفال و مودیرنیت، *ره‌نند*، شماره ۷، سوئد.
- وینست، آندرو. (۱۳۷۶)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- ین، رابرت، ک. (۱۳۸۱)، *تحقیق موردی*، ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- Bruienssen, M V. (2000). *Kurdish society*, ethnicity, nationalism.ejts.
- Human Right Watch. (1994). *Bureaucracy of repression*, The Iraqi Government in its own words.
- Gold berg. J. (2002), *the great terror*, internet.
- Middle east watch report. (1998). *Genocide in Iraq*, introduction.
- Middle east watch report. (1998). *Genocide in Iraq*, First Anfal, the siege of Segelu and Bergelu, February, 23, March.
- Middle east watch report. (1998). *Genocide in Iraq, Second Anfal*, Qara dagh. March-22 April.
- Middle east watch report. (1998). *Genocide in Iraq, third Anfal*, Germian, April.
- Salih. K. (2002). *Anfal the Kurdish genocide in Iraq*, Goteborg University.
- Shores, Sh. (2011). *Anfal, the Iraqi states genocide against the Kurds*, Erbil, Iraq.
- Stansfield Gareth. (2006). *Finding a dangerous equilibrium*: Internal politics in Iraqi Kurdistan-parties, tribes, religion and ethnicity reconsidered, SAQE, Lebanon.
- Stansfield Gareth. (2003). *Iraqi Kurdistan*, routledge.London and New York.

۲۲۷ توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عملیات نظامی ...

- The vanish trial A report from human right watch, ch 13.
- Yildiz Kerim. (2005). *The Kurds in Iraq, the past, present and future*, Pluto press, London.

پيوست

بسم الله الرحمن الرحيم
(سيوري وطني الغور)
مديرية معايرات معاداة الناعم
الي / مديرية المعايرات العامة
الموضوع / اجرا * ت

بعد الأعمار العيائير من لدن القيادة السجاده هوقا منا بمعملات الأفعال الأولى
و الثانية هوالتي تم فيها حجز معاير مع مختلفه من الأعمار ومن تلك المعاير مع
مجموعه من الغقيات التي تتراوح اعمارهن بين (١٤ الى ٢٩) سنه وقد تمنا
و حسب اراكم جأ رسال مجموعه من تلك الغقيات الي ملاخي والقوادير الليلية
لجمهورية مصر العربية و حسب طلبهم هوالكم طياً لائحة بأسماء * تلك
الغقيات مع عمر كل واحدة منهن ليشكلن بالاقلاع مع التقدير *

الاسم *	العمر
كلاويز عادل رحيم	١٧
جهن نازم عباس	٢٣
لطفى عباس حوهر	٢١
لميمه فاطم عمر	١٩
يهمان نكر ميماني	١٦
خراسان عياله توليد	٢٠
قبريه احمد ابراهيم	١٧
كوليلك ابراهيم علي	١٩
خوله احمد لفرالدين	١٥
عممت فاطم عزيز	٢١
نجيبه حسن علي	١٤
حسيبه امين حمزه	٢٢
شهر حسن علي	٢٠
عكرمة رستم محمد	١٧
حسيبه هيماني ابراهيم	١٥
كوهستان عباس مولود	٢٢
سروه عثمان كرم	١٧
سوزة محمد رحيم	٢٢

المديرية معايرات
معايله الناعم
١١٤٢ / ١٢ / ٢١

